

محمد عبدالوهاب بحیری

حیله‌های شرعی

ناسازگار با فلسفه

www.ketab.ir

ترجمه دکتر حسین صابری

بحیری، محمد بن عبد الوهاب
حیله‌های شرعی، ناسازگار با فلسفه فقه / محمد عبدالوهاب بحیری؛ ترجمه حسین
صابری. - مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۶
ISBN 978-964-444-076-2
ص. ۵۵۶.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی: الحیل فی الشریعة الإسلامیة.
کتابنامه.

۱. حیل (فقه). الف. صابری، حسین، ۱۳۳۵، مترجم. ب. آستان قدس رضوی،
بنیاد پژوهشهای اسلامی. ج. عنوان.

۲۹۷/۳۷۸۵
م ۶۲۷۱-۷۴

۹۴ ح ۳ ب / ۱۹۸ BP
کتابخانه ملی ایران



بنیاد پژوهشهای اسلامی
آستان قدس رضوی

حیله‌های شرعی

ناسازگار با فلسفه

محمد عبدالوهاب بحیری
ترجمه دکتر حسین صابری
ویراسته محمد فلسفی

چاپ دوم: ۱۴۰۰ / ۳۰۰ نسخه، وزیری / قیمت: ۹۸۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: صندوق پستی ۳۶۶-۹۱۳۳۵

مراکز توزیع:

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاه‌های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۳۳۳۰۲۹

www.islamic-rf.ir

info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹	یادداشت مترجم
۱۹	پیشگفتار مؤلف
۲۱	مقدمه مؤلف

بخش نخست

در آمده

۳۳	فصل اول: مفهوم لغوی و عرفی حيله و برابر نهاده‌های آن حيله در لغت ۳۳ □ توضیح و تکمیل ۳۸ □ برابر نهاده‌های حيله ۳۹
----	---

۴۳	فصل دوم: معیار در تعیین حيله جایز و غیر جایز
----	--

۴۵	فصل سوم: اقسام و احکام حيله
----	-----------------------------

بخش دوم

حيله‌هایی که با اهداف شرع در تناقض است

۵۳	فصل اول: ترسیم حيله حرام و ...
----	--------------------------------

۵۶	فصل دوم: دلالت قرآن بر حرمت حيله‌هایی که با اهداف شرع در تناقض است
----	--

- ۱- نکوهش نفاق در اصول و فروع دین ۵۶ □ ۲- داستان حیله شنبه ۶۴ □
- ۳- نهی از زیان رساندن زن و مرد به یکدیگر به وسیله حیله ۷۳ □ ۴- حرمت تجاوز از حدود الهی ۷۸ □ ۵- نهی از ریشخند کردن آیات خدا ۹۱ □ ۶- حیله‌های نکوهیده یهودیان ۹۷ □ ۷- نهی از زیان رساندن به وارثان به کمک حیله ۱۰۴ □
- ۸- نهی از مخالفت با پیامبر ﷺ ۱۱۰ □ ۹- داستان مسجد ضرار ۱۱۲ □ ۱۰- داستان حیله برادران یوسف ۱۱۹ □ ۱۱- حیله زنان شهر و زن عزیز ۱۲۷ □ ۱۲- داستان صاحبان باغ ۱۳۴ □ ۱۳- حرمت کم فروشی به کمک حیله ۱۳۹ □

فصل سوم: دلالت سنت بر حرمت حیله‌هایی که با اهداف شرع در تناقض است ۱۴۴

- ۱- این که معیار در عبادات و عادات نیت شخص است ۱۴۵ □ ۲- نیرنگ در سوگند نامشروع ۱۵۲ □ ۳- حرمت حیله برای اسقاط زکات یا کاستن آن ۱۵۴ □
- ۴- حیله برای اسقاط خیار مجلس ۱۶۳ □ ۵- حرمت حیله در مسابقه ۱۶۷ □
- ۶- تأثیر نیت در افعال جوارحی ۱۷۶ □ ۷- در پیمانها معانی ملاک و معتبر است نه الفاظ ۱۷۷ □ ۸- نهی از حیله نجش ۱۷۹ □ ۹- نهی از حیله تصریه ۱۸۱ □
- ۱۰- هرکه غش روا دارد از ما نیست ۱۸۸ □ ۱۱- حرمت اختصاصی کردن مراتع و یا فروش آنها به کمک حیله ۱۹۲ □ ۱۲- نهی از حیله عینه ۱۹۶ □ ۱۳- حیله یهود در خوردن حرام ۲۱۳ □ ۱۴- حلال شمردن خمر با تغییر نام آن ۲۱۹ □ ۱۵- هدیه به کارگزاران ۲۲۶ □ ۱۶- هدیه وام گیرنده به وام دهنده به جای ربا ۲۳۰ □
- ۱۷- حرمت حیله به هدف بازستاندن زکات ۲۳۷ □ ۱۸- حرمت حیله برای اسقاط شفعه ۲۴۰ □ ۱۹- حکم حاکم حرام را حلال و حلال را حرام نمی‌کند ۲۴۶ □ ۲۰- حرمت فرار از طاعون به کمک حیله ۲۵۷ □ ۲۱- حرمت سست گرفتن حقوق زن و حیله بر آن ۲۶۰ □ ۲۲- حیله غسل ۲۶۱ □ ۲۳- نکاح تحلیل ۲۶۶ □ ۲۴- هشدار پیامبر به امت در مورد همگون شدن با یهودیان در حیله ورزی ۲۸۴

فصل چهارم: اجماع صحابه بر حرمت حیله ۲۸۹

فصل پنجم: دلالت اصول شرعی بر حرمت حیله ۲۹۵

- ۱- بنای شریعت بر مصالح بندگان ۲۹۵ □ ۲- سد ذرایع فساد ۳۰۶ □ ۳- اعتبار قصد

و نیت در کارها ۳۱۴ □ ۴ - شرط متقدم بر عقد همانند شرط ضمن عقد و شرط لفظی همانند شرط عرفی ۳۲۷ □ ۵ - برخورد با بدکار به تقیض مقصود او ۳۳۳ □

۳۴۱ فصل ششم: قطعی بودن حرمت حیل‌های مخالف با قصد شارع...

۳۵۸ فصل هفتم: چند شبهه و پاسخ به آنها

۳۷۲ فصل هشتم: آغاز فتوا به جواز حيله و موضع پیشوایان

جعل کتابی درباره حيله و موضع عالمان در این باره ۳۷۵ □ - بی‌بیزاری ابوحنیفه از کتاب حیل ۳۷۹ □ - بی‌بیزاری ابویوسف از حیل‌های ناسازگار با شریعت ۳۸۲ □ - بی‌بیزاری محمد بن حسن از فتوا دادن به حیل‌های نقض‌کننده شریعت ۳۸۳ □ - نسبت دادن حيله به پیشوایان روا نیست ۳۸۵ □ - زیاده روی در حيله ۳۸۶ □

بخش سوم

حیل‌هایی که با مقاصد شریعت در تناقض نیست

۳۹۳ فصل اول: تعریف و تبیین حیل‌های جایز و بیان ادله آنها

۴۰۵ فصل دوم: دلالت قرآن بر جواز حیل‌هایی که با مقاصد شرع ناسازگاری ندارد

۱ - جواز کنایه در خواستگاری زن شوهرمرد ۴۰۵ □ ۲ - دوستی ظاهری با کافران ۴۱۲ □ ۳ - هجرت از دارالکفر به دارالاسلام به کمک حيله ۴۱۴ □ ۴ - تظاهر به شکست برای چیرگی بر کافران ۴۱۹ □ ۵ - حيله ورزیدن برای آشکار کردن حق... ۴۲۴ □ ۶ - حيله یوسف علیه السلام برای آوردن بنیامین به نزد خویش ۴۳۳ □ ۷ - حيله یعقوب برای شناخت یوسف علیه السلام ۴۴۲ □ ۸ - حيله یوسف علیه السلام برای نگاه داشتن بردار تنی اش ۴۴۸ □ ۹ - جواز حيله برای رهایی جستن از آزار ۴۵۶ □ ۱۰ - داستان ایوب علیه السلام و راه گریز از سوگند ۴۶۲ □

۴۷۵ فصل سوم: دلالت سنت بر جواز حیل‌هایی که با مقاصد شرع ناسازگاری ندارد

یادداشت مترجم

آیین اسلام همانند دیگر آیینهای آسمانی برای مصالح حال و آینده بندگان وضع شده است. دلیل این سخن نیز آن است که وضع شریعت و احکام فقهی یا می‌بایست عبث و بیهوده باشد و یا هدفدار و دارای یک فلسفه مشخص. فرض اول به حکم ادله‌ای که می‌گوید خداوند از عبث و بیهودگی در احکامش منزّه و پیراسته است باطل است و بنابراین تنها فرض دوم می‌ماند و آن این که احکام شرع برای مصالح بندگان وضع شده‌اند.

اندرک مطالعه‌ای در کتاب خدا و سنت رسول اکرم ﷺ و سیره و اخبار امامان شیعه علیهم‌السلام برای رسیدن به این حقیقت بسنده می‌کند که احکام شرع بیهوده و گزافه نیستند، بلکه هدفی معین را تعقیب می‌کند.

هدفمندی نه فقط ویژگی نظام تشریحی اسلام است، بلکه ویژگی کتاب تکوین نیز همین است، و از دیگر سوی هر کتاب تشریح و تقنینی نیز باید که از این ویژگی برخوردار باشد.

وجود احکام معلّل بسیاری در قرآن و حدیث - صرف‌نظر از این که آیا می‌توان این تعلیل را تعمیم داد یا نه و شرط این تعمیم چیست - خود گواه روشن تبعیت احکام از مصالح و مفاسد است. چونان که از مطاوی کلام مجتهدان در مباحث قطع و اعتبار امارات و همچنین بحث عقل و مستقلات یا غیر مستقلات عقلیه بر می‌آید، از دیدگاه اصولیین شیعه نیز احکام تابع مصالح و مفاسد هستند. در این نکته میان اصولیین اختلافی نیست و شاید اخباریین هم به رغم همه انکار لفظی در عمل این کلیت را که در احکام شرع مصلحتی هست پذیرفته باشند. آنچه در این میان محل نزاع و اختلاف قرار می‌گیرد توانایی عقل در کشف این ملاکها و مصلحتها و مفسده‌ها و اعتبار یا حجیت این کشف یا حکم به ثبوت ملازمه میان عقل و شرع است. تأییدی پس از بیان این که اخباریین و نیز

برخی از اصولیین به انکار ملازمه پرداخته‌اند به دفاع از ملازمه میان حکم شرع و حکم عقل بر می‌خیزد و می‌گوید:

«پس از اعتراف به تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و پس از اعتراف به ادراک این مصالح و مفاسد به وسیله عقل راهی برای منع ملازمه نمی‌ماند»^۱.

همو در جایی دیگر می‌گوید:

«هیچ راهی برای انکار این حقیقت وجود ندارد که احکام از مصالح و مفاسدی که در متعلقات آنها وجود دارد تبعیت می‌کنند و در افعال انسان صرف نظر از امر و نهی شارع مصالح و مفاسدی نهفته است و همین مصالح و مفاسد علل و مناطهای احکام هستند»^۲.

بحث از علل احکام یا مناطهای احکام و یا حکمت حکم چیزی است که در فقه شیعه نیز از آن سخن به میان می‌آید. برای نمونه امام خمینی علیه السلام در کتاب *البیع*، آنجا که سخن از حیله‌های گریز از ربا مطرح می‌شود به علت تحریم ربا می‌پردازد و این علت یابی را مقدمه‌ای بر حکم به بی‌اثر بودن حیله‌های گریز از ربا می‌داند. امام پس از آوردن آیه «وَإِنْ تَبَيَّنْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»^۳ می‌گوید:

«روشن است که همین ظلم و فساد ربا ایجاد کرده است که خداوند به حرمت آن حکم کند. بنابراین به دلالت ظاهر آیه، حرمت معلول ظلم و ظلم علت یا حکمت حرمت است».

در روایت محمد بن سنان نیز آمده است که امام رضا علیه السلام به وی چنین نوشت: علت حرمت ربا، نهی است که خداوند از آن کرده و همچنین تباهی اموالی است که در آن وجود دارد؛ چه وقتی انسان یک درهم را به دو درهم بخرد ثمن درهم تنها یک درهم است و آن درهم دیگر باطل است... علت حرمت ربا در نسیه نیز از میان رفتن نیکوکاری، از میان رفتن اموال، رغبت مردم به سود، و انهدان قرض از سوی مردم و همچنین فساد و ظلم و تباهی اموالی است که در آن هست».

همچنین در صحیحه هشام بن حکم است که درباره علت تحریم از امام صادق علیه السلام پرسید و امام علیه السلام فرمود:

«اگر ربا حلال بود مردم داد و ستد و کارهایی را که بدان نیاز دارند وامی‌نهادند. پس خداوند ربا را حرام

۱- ر.ک. کاظمی خراسانی، محمد علی، *فوائد الاصول* (تقریرات آیه‌الله محمد حسین نائینی)، قم، موسسه

۲- ر.ک.: همان، ص ۵۹.

النشر اسلامی، ج ۳، ص ۶۲.

۳- بقره/ ۲۷۹: اگر توبه کنید سرمایه‌هایتان از آن خود شماست، نه ستم می‌کنید و نه به شما ستم می‌شود.

کرد تا مردم را از حرام بگیرانند و به سوی حلال و به تجارت و دادوستد برانند.^۱

به هر روی نمونه‌هایی از این دست که در جای جای فقه پراکنده است و شما نیز در این کتاب به پاره‌ای از آنها بر می‌خورید حکایت از این دارد که مسأله «هدف تشریح» یا «فلسفه فقه» از اولیات باب تشریح است، چونان که این نیز از حقایق روشن درباره نظامهای حقوقی است که نظام حقوقی متکامل آن است که هدفی معین را تعقیب می‌کند و برای رسیدن به این هدف قواعد و اصولی روشن دارد.

افزون بر این، یکی از دیگر ویژگیهای یک نظام حقوقی و قانونی درست، عدم تناقض داخلی و نبود ناهمگونی در آن است. این نه نکته‌ای تازه است که حقوقدانان در عصر حاضر بدان رسیده باشند، بلکه حقیقتی است که در متن شریعت مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم آنجا که به پاسخگویی این شبهه کافران بر می‌خیزد که گفته‌اند قرآن از نزد خدا نیامده است، می‌فرماید: «وَلَوْ كَانَ مِنْ جِندٍ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۲؛ یعنی آنچه از جانب خداوند است نباید گرفتار ناهمگونی و تناقض گویی باشد.

امیر مؤمنان علیه السلام هنگامی که تناقض گویی برخی از کسان در مقام فتوا دادن را نکوهش می‌کند چنین می‌فرماید:

در حکمی از احکام خداوند مسأله‌ای نزد یکی از آنان برده می‌شود و وی در آن به رأی خویش حکم می‌دهد. سپس همان مسأله نزد دیگری برده می‌شود و او نیز حکمی بر خلاف حکم آن یک می‌دهد. آنگاه قاضیان نزد امامی که آنان را به قضاوت گماشته است گرد می‌آیند و او رأی همه آنها را تصویب می‌کند، با آن که خدایشان یکی است، پیامبرشان یکی است، کتابشان یکی است. آیا خداوند آنان را به اختلاف فرمان داده است و از او فرمان برده‌اند؟ یا آنان را از این بازداشته است و نافرمانی او کرده‌اند؟ یا خداوند دینی ناقص فرو فرستاده و در تکمیل کردن آن از ایشان کمک خواسته است؟ یا آن که آنان شریکان خدایند و حق دارند که بگویند و او نیز بپذیرد؟ یا آن که خداوند دینی کامل فرستاده و رسول در رساندن آن کوتاهی کرده است؟ خداوند خود می‌فرماید: (ما در این کتاب هیچ فرو نگذاشتیم). و در این کتاب تبیان هر چیز است و خداوند خود آورده است که هر جزء کتاب جزء دیگر را تصدیق می‌کند و اختلافی در آن نیست.^۳

۱- ر.ک: خمینی، روح الله، کتاب البیع، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۲، ص ۴۰۶ و ۴۰۷.

۲- نساء/ ۸۲: اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلاف بسیار می‌یافتند.

۳- ر.ک: سیدرضی، ابوالحسن محمد بن حسن، نهج البلاغه، با مقدمه صبحی صالح، خطبه ۱۸.